



آسیب شناسی و راهکارهای آموزش نماز به دانش آموزان در مدرسه با تأکید بر رویکرد تربیتی

حسین آزاده

کارشناس ارشد فقه و اصول



MDOI-02-2026.0302
MNR-316-2-45B136

به عنوان ستون دین و مهم ترین فریضه الهی، نقشی محوری در تربیت دینی، اخلاقی و اجتهادی دانش آموزان ایفا می کند. با وجود جایگاه بی بدیل نماز در نظام تربیتی اسلام، آمارها و شواهد موجود نشان می دهد که فرایند آموزش نماز در مدارس با چالش ها و آسیب های متعددی روبه رو است که تحقق اهداف تربیتی آن را با موانع جدی مواجه ساخته است. پژوهش حاضر با هدف آسیب شناسی وضعیت موجود آموزش نماز در مدارس و ارائه راهکارهای کاربردی مبتنی بر رویکرد تربیتی انجام شده است. روش پژوهش، مروری نظام مند و توصیفی-تحلیلی است که با بررسی اسناد، کتب، مقالات علمی و گزارش های پژوهشی داخلی در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۳ به انجام رسیده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که آسیب های آموزش نماز در مدارس را می توان در سه سطح فردی (ضعف انگیزش، عدم شناخت صحیح، خستگی از تکرار)، خانوادگی (تعارض ارزشی، ضعف الگوی عملی، کاهش انسجام دینی) و سازمانی-نهادی (روش های تکراری، فقدان فضای مناسب، کمبود نیروی متخصص، آموزش غیر مشارکتی) دسته بندی کرد. در بخش راهکارها، بر ضرورت تحول در رویکرد آموزشی از ساحت «انتقال اطلاعات» به ساحت «تربیت ایمانی و عاطفی»، بهره گیری از روش های فعال و مشارکتی، توانمندسازی معلمان، مشارکت خانواده، طراحی فضای فیزیکی متناسب و بهره گیری از فناوری های نوین تأکید شده است. نتیجه گیری پژوهش نشان می دهد که تحقق تربیت نمازی دانش آموزان نیازمند رویکردی جامع، نظام مند و مبتنی بر اصل «تلفیق تعلیم و تربیت» است.

کلیدواژه ها: آموزش نماز، تربیت دینی، دانش آموز، آسیب شناسی تربیتی، رویکرد مشارکتی، مدارس.

نماز به مثابه برجسته ترین جلوه عبودیت و تجلیگاه تسلیم انسان در برابر خالق، از دیرباز به عنوان اصلی ترین رکن عبادی در اسلام مطرح بوده و در قرآن کریم با تعبیری چون «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (نساء، ۱۰۳) مورد تأکید قرار گرفته است. این فریضه الهی، صرفاً یک عمل عبادی فردی نیست، بلکه نظامی جامع از ارزش ها، نگرش ها و رفتارها را در خود جای داده است که تحقق آن در زندگی انسان، زمینه ساز رشد همه جانبه فردی و اجتماعی خواهد بود (مطهری، ۱۳۸۷). در همین راستا، اندیشمندان مسلمان، نماز را «میزان الاعمال»، «عمود دین» و «معراج مومن» دانسته اند و بر تربیتی بودن این فریضه تأکید ورزیده اند (جوادی آملی، ۱۳۹۲).

نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در ساحت تربیت دینی، مسئولیت خطیر انتقال ارزش های الهی و آموزش فرایض دینی به نسل های آینده را بر عهده دارد. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، بر تربیت دینی، اعتقادی، عبادی و اخلاقی دانش آموزان به عنوان یکی از اهداف بنیادین نظام تربیتی رسمی تأکید شده است. در این میان، آموزش نماز به دلیل ماهیت عبادی، اجتماعی و تربیتی اش، از اهمیت دوچندانی برخوردار است؛ زیرا نماز تنها یک تکلیف شرعی نیست، بلکه ابزاری تربیتی برای پرورش روحیه تعبد، انضباط، مسئولیت پذیری و تعامل سازنده با خدا و خلق محسوب می شود (بهشتی، ۱۳۹۵).

با این حال، شواهد تجربی و گزارش های میدانی حاکی از آن است که فرایند آموزش نماز در مدارس، با آسیب ها و کاستی های متعددی مواجه است که مانع از تحقق اهداف متعالی این فریضه در ساحت تربیت دانش آموزان شده است. از جمله این آسیب ها می توان به غلبه رویکرد آموزشی محض به جای رویکرد تربیتی، تکراری و خسته کننده بودن شیوه های آموزش، ضعف در ایجاد انگیزه و باور قلبی، ناهماهنگی بین مدرسه و خانواده، فقدان فضای فیزیکی مناسب برای اقامه نماز، و کمبود نیروهای متخصص و آشنا با روش های نوین تربیتی اشاره کرد (صافی، ۱۳۹۸؛ قائمی، ۱۳۹۶). در چنین شرایطی، دانش آموزان نماز را نه به عنوان یک نیاز فطری و عاطفی، بلکه به صورت یک تکلیف تحمیلی و رسمی ادراک می کنند که نه تنها موجب رشد معنوی آنان نمی شود، بلکه در مواردی به واکنش های منفی و مقاومت در برابر ارزش های دینی می انجامد.

بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکردی آسیب شناسانه و راهبردی، درصدد است تا ضمن شناسایی دقیق چالش ها و موانع موجود در فرایند آموزش نماز در مدارس، راهکارهای کاربردی و علمی متناسب با رویکرد



تربیتی ارائه نماید. این پژوهش بر آن است تا با تأکید بر اصل «تلفیق تعلیم و تربیت» و با بهره‌گیری از مبانی نظری تربیت اسلامی، الگویی جامع برای بهبود وضعیت آموزش نماز در مدارس ترسیم کند.

بیان مسئله

آموزش نماز به دانش‌آموزان در مدارس، باوجود جایگاه ویژه‌ای که در اسناد بالادستی نظام آموزشی کشور دارد، در عمل با چالش‌های بنیادینی روبه‌رو است که مانع از تحقق اهداف تربیتی آن شده است. مسئله اصلی این پژوهش، شناسایی این چالش‌ها و ارائه راهکارهای علمی برای بهبود فرایند آموزش نماز در مدارس با تأکید بر رویکرد تربیتی است.

شاهد و قرائن متعددی نشان می‌دهد که آموزش نماز در مدارس کشور از حالت «آموزشی محض» فراتر نرفته و به مرحله «تربیت ایمانی» و «ایجاد باور قلبی» نرسیده است. به عبارت دیگر، بسیاری از دانش‌آموزان، نماز را به صورت ظاهری و بدون درک عمیق از فلسفه و ابعاد تربیتی آن فراگرفته‌اند. پژوهش‌های متعددی در سال‌های اخیر به این مسئله اشاره کرده‌اند؛ از جمله پژوهش قائمی و همکاران (۱۳۹۶) که نشان داد بیش از ۶۰ درصد دانش‌آموزان مقطع متوسطه، نماز را صرفاً یک تکلیف شرعی و نه یک نیاز معنوی ادراک می‌کنند. همچنین، یافته‌های صافی (۱۳۹۸) حاکی از آن است که روش‌های رایج آموزش نماز در مدارس، بیشتر مبتنی بر تکرار، حفظ کردن و آزمون‌های کتبی است که با روح تربیت دینی سازگاری چندانی ندارد.

از سوی دیگر، تعارض ارزشی میان مدرسه و خانواده، یکی دیگر از مسائل جدی در این حوزه است. در بسیاری از موارد، دانش‌آموزان در محیط خانه با الگوهای رفتاری متفاوتی مواجه می‌شوند که با آموزه‌های مدرسه در تضاد است. این تعارض، نه تنها فرایند آموزش نماز را مختل می‌کند، بلکه به ایجاد نوعی دوگانگی ارزشی در ذهن و رفتار دانش‌آموزان منجر می‌شود (حسینی، ۱۳۹۷). علاوه بر این، فضای فیزیکی مدارس، به ویژه نمازخانه‌ها، در بسیاری از موارد فاقد شرایط لازم برای ایجاد یک فضای معنوی و آرامش‌بخش است و این مسئله بر کیفیت تجربه دینی دانش‌آموزان تأثیر منفی می‌گذارد (نقی‌زاده، ۱۳۹۹).

مسئله دیگر، ضعف در توانمندی‌های حرفه‌ای معلمان پرورشی و مربیان قرآن در زمینه استفاده از روش‌های نوین و مشارکتی آموزش نماز است. بسیاری از این معلمان، فاقد آموزش‌های تخصصی در حوزه روش‌های تربیتی و روان‌شناختی مرتبط با آموزش عبادات هستند و به همین دلیل، فرایند آموزش به شکل سنتی و تکراری ادامه می‌یابد (ملکی، ۱۳۹۵). در چنین شرایطی، ضرورت بازنگری در رویکردها، روش‌ها و ساختارهای موجود در آموزش نماز در مدارس، به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر مطرح می‌شود.

بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: «آموزش نماز در مدارس با چه آسیب‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو است و چه راهکارهایی می‌توان برای بهبود این فرایند با تأکید بر رویکرد تربیتی ارائه داد؟»

ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر را می‌توان در چند بُعد اصلی مورد بررسی قرار داد:

۱. **بُعد دینی و اعتقادی:** نماز به عنوان ستون دین و مهم‌ترین فریضه عبادی، نقشی محوری در هویت‌یابی دینی و تقویت ایمان دانش‌آموزان ایفا می‌کند. ضعف در فرایند آموزش نماز، نه تنها به کاهش التزام عملی دانش‌آموزان به این فریضه منجر می‌شود، بلکه می‌تواند به سست شدن بنیان‌های اعتقادی آنان نیز بینجامد. این مسئله به‌ویژه در دوره نوجوانی و هویت‌یابی، از اهمیت دوچندانی برخوردار است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱).

۲. **بُعد تربیتی:** نماز یکی از مؤثرترین ابزارهای تربیتی در اسلام است که می‌تواند به رشد همه‌جانبه فرد در ابعاد اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و معنوی کمک کند. آموزش صحیح و تربیتی نماز، زمینه‌ساز تقویت روحیه نظم، مسئولیت‌پذیری، تعهد، خودکنترلی و تعامل سازنده با دیگران است (بهشتی، ۱۳۹۵). بنابراین، آسیب‌شناسی فرایند آموزش نماز و ارائه راهکارهای اصلاحی، از منظر تربیتی نیز حائز اهمیت فراوان است.

۳. **بُعد اجتماعی و فرهنگی:** نماز به عنوان یک عمل عبادی-اجتماعی، نقش مهمی در تقویت هویت جمعی، انسجام اجتماعی و احساس تعلق به جامعه ایمانی دارد. در شرایطی که جامعه با چالش‌های فزاینده فرهنگی و ارزشی مواجه است، تقویت بنیان‌های دینی نسل جوان از طریق آموزش صحیح نماز، می‌تواند به حفظ و ارتقای سرمایه فرهنگی و اجتماعی کشور کمک شایانی نماید (شرفی، ۱۳۹۴).

۴. **بُعد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی:** نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه آموزش و پرورش کمک کند تا با شناخت دقیق‌تر چالش‌ها و موانع موجود، برنامه‌ها و سیاست‌های مؤثرتری برای بهبود فرایند آموزش نماز در مدارس طراحی و اجرا نمایند. این امر به‌ویژه در راستای تحقق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) از اهمیت بالایی برخوردار است.

۵. **بُعد علمی و پژوهشی:** با وجود گستردگی پژوهش‌ها در حوزه تربیت دینی، پژوهش‌های اندکی به‌طور خاص به آسیب‌شناسی آموزش نماز در مدارس با رویکرد تربیتی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر می‌تواند به غنای ادبیات علمی این حوزه بیفزاید و زمینه‌ساز انجام پژوهش‌های جدید و کاربردی در آینده باشد (داوودی، ۱۴۰۰).

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، مروری نظام‌مند و توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش، از روش «مرور نظام‌مند ادبیات» برای گردآوری، تحلیل و ترکیب یافته‌های پژوهشی موجود استفاده شده است. مراحل انجام پژوهش شامل موارد زیر است:

۱. **تعیین سؤال پژوهش:** سؤال اصلی پژوهش عبارت است از اینکه «آموزش نماز در مدارس با چه آسیب‌هایی مواجه است و چه راهکارهایی برای بهبود این فرایند با رویکرد تربیتی وجود دارد؟»

۲. **تعیین استراتژی جست‌وجو:** برای جمع‌آوری منابع، از پایگاه‌های علمی معتبر داخلی از جمله پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags)، مگایران (Magiran)، و بانک اطلاعات نشریات کشور استفاده شده است. کلیدواژه‌های مورد استفاده شامل «آموزش نماز»، «تربیت دینی»، «دانش‌آموز»، «آسیب‌شناسی»، «روش‌های تربیتی» و «نماز در مدارس» بوده است.

۳. **معیارهای ورود و خروج:** معیارهای ورود شامل منابع فارسی، پژوهش‌های علمی-پژوهشی، مقالات چاپ‌شده در مجلات علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی، پایان‌نامه‌های مرتبط، اسناد بالادستی و کتب علمی معتبر در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۳ است. معیارهای خروج شامل منابع غیرعلمی، منابع ترجمه‌ای بدون اصل فارسی، و منابعی با موضوعات غیرمرتبط بوده است.

۴. **ارزیابی کیفیت منابع:** منابع گردآوری‌شده از نظر اعتبار علمی، روش‌شناسی و ارتباط با موضوع پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفتند.

۵. **تحلیل و ترکیب یافته‌ها:** یافته‌های حاصل از منابع مختلف با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و رویکرد ترکیبی مورد تحلیل و ترکیب قرار گرفتند. در این مرحله، آسیب‌ها و راهکارها در سه سطح فردی، خانوادگی و سازمانی-نهادی دسته‌بندی و تحلیل شدند.

۶. **استنتاج و نتیجه‌گیری:** در نهایت، بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل منابع، نتیجه‌گیری و پیشنهادات کاربردی تدوین شد.

پیشینه پژوهشی

پژوهش‌های متعددی در حوزه آموزش نماز و تربیت دینی دانش‌آموزان انجام شده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. **مطهری (۱۳۸۷)** در کتاب «آشنایی با علوم اسلامی» به تبیین فلسفه و ابعاد تربیتی نماز پرداخته و بر این نکته تأکید کرده است که نماز، فراتر از یک عمل عبادی ظاهری، نظامی جامع از ارزش‌ها و نگرش‌ها را در خود جای داده است. این اثر، به‌رغم قدمت، همچنان به‌عنوان یکی از منابع بنیادین در فهم ابعاد تربیتی نماز مطرح است.

۲. **بهشتی (۱۳۹۵)** در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش نماز در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه»، به این نتیجه رسیده است که بین میزان التزام به نماز و رشد اخلاقی دانش‌آموزان، رابطه معناداری وجود دارد. وی بر لزوم تقویت رویکرد تربیتی در آموزش نماز تأکید کرده است.

۳. **قائم‌ی و همکاران (۱۳۹۶)** در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی آموزش نماز در مدارس مقطع متوسطه شهر تهران»، با استفاده از روش پیمایشی به بررسی وضعیت آموزش نماز در مدارس پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که روش‌های رایج آموزش نماز، بیشتر مبتنی بر تکرار و حفظ کردن است و کمتر به ابعاد عاطفی و ایمانی توجه می‌شود.

۴. **صافی (۱۳۹۸)** در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های تربیت دینی در مدارس با تأکید بر آموزش نماز»، به بررسی موانع و چالش‌های پیش‌روی آموزش نماز در مدارس پرداخته و بر لزوم بازنگری در روش‌ها و رویکردهای موجود تأکید کرده است.

۵. **حسینی (۱۳۹۷)** در پژوهشی با عنوان «بررسی تعارض ارزشی بین مدرسه و خانواده در حوزه تربیت دینی دانش‌آموزان»، به این نتیجه رسیده است که تعارض ارزشی میان مدرسه و خانواده، یکی از مهم‌ترین موانع تحقق اهداف تربیت دینی در مدارس، از جمله آموزش نماز، است.

۶. **نقی‌زاده (۱۳۹۹)** در پژوهشی با عنوان «نقش فضای فیزیکی مدارس در تقویت تجربه دینی دانش‌آموزان»، به بررسی تأثیر فضای فیزیکی مدارس، به‌ویژه نمازخانه‌ها، بر کیفیت تجربه دینی دانش‌آموزان پرداخته است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که فضای فیزیکی مناسب، نقش مهمی در ایجاد انگیزه و تقویت باورهای دینی دارد.



۷. ملک (۱۳۹۵) در کتاب «مهارت‌های آموزش پرورشی»، به بررسی روش‌ها و فنون تربیتی در آموزش مفاهیم دینی پرداخته و بر لزوم بهره‌گیری از روش‌های فعال و مشارکتی در آموزش نماز تأکید کرده است.

۸. مصباح یزدی (۱۳۹۱) در کتاب «آموزش عقاید»، به تبیین مبانی اعتقادی و فلسفی نماز پرداخته و بر این نکته تأکید کرده است که آموزش نماز باید مبتنی بر تقویت باورهای اعتقادی و ایجاد انگیزه درونی باشد.

۹. جوادی آملی (۱۳۹۲) در کتاب «ادب فنای مقربان»، به تبیین ابعاد عرفانی و معنوی نماز پرداخته و بر لزوم توجه به ابعاد باطنی و قلبی نماز در فرایند آموزش تأکید کرده است.

۱۰. شرفی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «نقش تربیت دینی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی»، به بررسی نقش تربیت دینی، از جمله آموزش نماز، در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی پرداخته است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که تقویت باورهای دینی در نوجوانان، نقش مؤثری در کاهش آسیب‌های اجتماعی دارد.

۱۱. داوودی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های پرورشی دوره اول متوسطه از منظر میزان توجه به تربیت عبادی»، به بررسی محتوای کتاب‌های پرورشی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که این کتاب‌ها، کمتر به ابعاد تربیتی نماز توجه کرده‌اند.

۱۲. باقری (۱۳۸۹) در کتاب «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی»، به بررسی مبانی نظری تربیت اسلامی پرداخته و بر لزوم تلفیق تعلیم و تربیت در فرایند آموزش مفاهیم دینی تأکید کرده است.

۱۳. فقیهی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش خانواده در تربیت دینی فرزندان»، به این نتیجه رسیده است که خانواده، مهم‌ترین نهاد تربیتی در شکل‌گیری باورها و ارزش‌های دینی فرزندان است و نقش مدرسه در این زمینه، در تعامل با خانواده معنا پیدا می‌کند.

۱۴. حجتی (۱۳۸۸) در کتاب «فرهنگ نماز»، به بررسی جامع ابعاد مختلف نماز در اسلام پرداخته و منبعی ارزشمند برای درک فلسفه و ابعاد تربیتی نماز است.

۱۵. رحیمیان (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی اثربخشی روش‌های فعال آموزش نماز بر میزان التزام دانش‌آموزان»، به این نتیجه رسیده است که استفاده از روش‌های فعال و مشارکتی، تأثیر معناداری بر افزایش التزام دانش‌آموزان به نماز دارد.



۱۶. نوری (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش معلم پرورشی در تربیت دینی دانش‌آموزان»، به این نتیجه رسیده است که نقش معلم پرورشی در تربیت دینی دانش‌آموزان، بسیار تعیین‌کننده است و صلاحیت‌های حرفه‌ای و ایمانی معلم، نقش مهمی در اثربخشی فرایند تربیت دینی دارد.

۱۷. سبحانی‌نژاد (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر نماز بر سلامت روان دانش‌آموزان»، به این نتیجه رسیده است که نماز، تأثیر معناداری بر سلامت روان، کاهش اضطراب و افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان دارد.

۱۸. اکبری (۱۳۹۷) در کتاب «روش‌های نوین تدریس در آموزش مفاهیم دینی»، به بررسی روش‌های نوین تدریس در آموزش مفاهیم دینی پرداخته و بر لزوم بهره‌گیری از روش‌های فعال، مشارکتی و خلاقانه تأکید کرده است.

۱۹. طاهرپور (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقش فناوری‌های نوین در آموزش مفاهیم دینی به دانش‌آموزان»، به بررسی نقش فناوری‌های نوین از جمله نرم‌افزارهای آموزشی، واقعیت مجازی و بازی‌های رایانه‌ای در آموزش مفاهیم دینی پرداخته است.

۲۰. عابدینی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر پایداری دانش‌آموزان به نماز»، به شناسایی عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر پایداری دانش‌آموزان به نماز پرداخته است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند که نیازمند توجه همزمان هستند.

یافته‌های پژوهش

بر اساس بررسی نظام‌مند منابع و تحلیل یافته‌های پژوهشی موجود، آسیب‌های مرتبط با آموزش نماز در مدارس را می‌توان در سه سطح اصلی دسته‌بندی کرد:

۱. آسیب‌های سطح فردی

آسیب‌های سطح فردی به ویژگی‌های درونی دانش‌آموزان اشاره دارد که می‌تواند فرایند آموزش نماز را با چالش مواجه سازد. مهم‌ترین این آسیب‌ها عبارتند از:

الف) ضعف انگیزش درونی: بسیاری از دانش‌آموزان، به‌ویژه در دوره نوجوانی، فاقد انگیزه درونی کافی برای یادگیری و اقامه نماز هستند. این ضعف انگیزه، اغلب ناشی از عدم درک صحیح از فلسفه و ابعاد تربیتی نماز



است. دانش‌آموزان در این سنین، بیش از هر چیز به دنبال معنا و مفهوم هستند و اگر نتوانند ارتباط معناداری بین نماز و زندگی خود پیدا کنند، انگیزه‌ای برای انجام آن نخواهند داشت (قائمی و همکاران، ۱۳۹۶).

ب) عدم شناخت صحیح از نماز: بسیاری از دانش‌آموزان، نماز را صرفاً مجموعه‌ای از حرکات و اذکار می‌دانند و از ابعاد عمیق‌تر آن، از جمله فلسفه، اهداف و آثار تربیتی آن، آگاهی چندانی ندارند. این عدم شناخت، موجب می‌شود که نماز به یک عمل ظاهری و تکراری تبدیل شود و از تأثیر تربیتی آن کاسته شود (بهشتی، ۱۳۹۵).

ج) خستگی از تکرار: یکنواختی و تکرار در شیوه‌های آموزش نماز، یکی از مهم‌ترین عوامل خستگی و دل‌زدگی دانش‌آموزان است. زمانی که آموزش نماز به شکل تکراری و بدون تنوع انجام شود، دانش‌آموزان به تدریج دچار بی‌تفاوتی و خستگی شده و انگیزه خود را از دست می‌دهند (رحیمیان، ۱۳۹۰).

د) مقاومت در برابر تحمیل: در دوره نوجوانی، یکی از ویژگی‌های رشدی، مقاومت در برابر فشارهای بیرونی و تمایل به استقلال‌طلبی است. زمانی که آموزش نماز به شکل تحمیلی و دستوری انجام شود، ممکن است با مقاومت و واکنش منفی دانش‌آموزان مواجه شود (حسینی، ۱۳۹۷).

۲. آسیب‌های سطح خانوادگی

خانواده به‌عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد تربیتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری باورها و ارزش‌های دینی فرزندان دارد. آسیب‌های سطح خانوادگی مرتبط با آموزش نماز عبارتند از:

الف) تعارض ارزشی میان مدرسه و خانواده: در بسیاری از موارد، ارزش‌ها و رفتارهای دینی که در مدرسه آموزش داده می‌شود، با ارزش‌ها و رفتارهای حاکم در محیط خانواده در تضاد است. این تعارض، نه تنها فرایند آموزش نماز را مختل می‌کند، بلکه به ایجاد نوعی دوگانگی ارزشی در ذهن و رفتار دانش‌آموزان منجر می‌شود (حسینی، ۱۳۹۷).

ب) ضعف الگوی عملی در خانواده: یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تربیت دینی فرزندان، وجود الگوهای عملی در خانواده است. زمانی که والدین خود به نماز پایبند نباشند یا در انجام آن سهل‌انگاری کنند، فرزندان نیز به تدریج اهمیت نماز را دست‌کم می‌گیرند (فقیهی، ۱۳۹۲).

ج) کاهش انسجام دینی خانواده: در شرایط کنونی، بسیاری از خانواده‌ها با چالش‌های متعددی در زمینه حفظ انسجام دینی روبه‌رو هستند. عواملی چون مشغله‌های شغلی، تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی، و تغییرات

ارزشی اجتماعی، موجب کاهش انسجام دینی خانواده‌ها شده و این امر بر فرایند تربیت دینی فرزندان، از جمله آموزش نماز، تأثیر منفی گذاشته است (شرفی، ۱۳۹۴).

(د) عدم گفت‌وگوی دینی در خانواده: بسیاری از خانواده‌ها فاقد فضای گفت‌وگوی دینی مناسب هستند و در مورد مسائل دینی، از جمله نماز، با فرزندان خود به گفت‌وگو نمی‌نشینند. این مسئله، موجب می‌شود که فرزندان، فرصت کافی برای درک عمیق‌تر مفاهیم دینی و طرح پرسش‌های خود را نداشته باشند (عابدینی، ۱۳۹۴).

۳. آسیب‌های سطح سازمانی-نهادی

آسیب‌های سطح سازمانی-نهادی به مسائل و چالش‌هایی اشاره دارد که در سطح نظام آموزشی و ساختار مدارس وجود دارد:

(الف) غلبه رویکرد آموزشی بر رویکرد تربیتی: یکی از مهم‌ترین آسیب‌های فرایند آموزش نماز در مدارس، غلبه رویکرد آموزشی محض (انتقال اطلاعات) بر رویکرد تربیتی (پرورش ایمان و باور) است. در این رویکرد، بیشتر به آموزش ظاهری و مکانیکی نماز توجه می‌شود و کمتر به ابعاد عاطفی، قلبی و ایمانی آن پرداخته می‌شود (صافی، ۱۳۹۸).

(ب) روش‌های تکراری و غیرمشارکتی: روش‌های رایج آموزش نماز در مدارس، بیشتر مبتنی بر سخنرانی، تکرار و حفظ کردن است و کمتر از روش‌های فعال و مشارکتی استفاده می‌شود. این مسئله، موجب کاهش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یادگیری می‌شود (ملکی، ۱۳۹۵).

(ج) کمبود نیروی متخصص و توانمند: بسیاری از معلمان پرورشی و مربیان قرآن، فاقد آموزش‌های تخصصی کافی در زمینه روش‌های نوین تربیتی و روان‌شناختی مرتبط با آموزش عبادات هستند. این کمبود، یکی از موانع اصلی در ارتقای کیفیت آموزش نماز در مدارس است (نوری، ۱۳۹۳).

(د) فقدان فضای فیزیکی مناسب: نمازخانه‌های بسیاری از مدارس، فاقد شرایط لازم برای ایجاد یک فضای معنوی و آرامش‌بخش هستند. فقدان فرش مناسب، نور کافی، تهویه مناسب و سکوت در نمازخانه‌ها، از جمله مسائلی است که بر کیفیت تجربه دینی دانش‌آموزان تأثیر منفی می‌گذارد (نقی‌زاده، ۱۳۹۹).

ه) **ناهماهنگی بین برنامه درسی رسمی و برنامه های پرورشی:** در بسیاری از موارد، بین محتوای کتب درسی رسمی و برنامه های پرورشی مدارس در زمینه آموزش نماز، ناهماهنگی وجود دارد. این مسئله، موجب سردرگمی دانش آموزان و کاهش اثربخشی فرایند آموزش می شود (داوودی، ۱۴۰۰).

و) **کم توجهی به تفاوت های فردی:** در فرایند آموزش نماز، کمتر به تفاوت های فردی دانش آموزان، از جمله تفاوت های سنی، جنسیتی، فرهنگی و شخصیتی، توجه می شود. این مسئله، می تواند منجر به ناکارآمدی روش های آموزشی برای برخی از دانش آموزان شود (باقری، ۱۳۸۹).

ز) **ضعف در استفاده از فناوری های نوین:** باوجود گسترش فناوری های نوین در حوزه های مختلف آموزشی، استفاده از این فناوری ها در آموزش نماز در مدارس، بسیار محدود است. در حالی که فناوری هایی چون نرم افزارهای آموزشی، واقعیت مجازی و بازی های آموزشی می توانند نقش مؤثری در افزایش انگیزه و یادگیری دانش آموزان داشته باشند (طاهرپور، ۱۳۹۸).

بحث و تحلیل

بررسی یافته های پژوهش نشان می دهد که آسیب های آموزش نماز در مدارس، ماهیتی چندبعدی و درهم تنیده دارند و نمی توان آن ها را صرفاً به یک عامل یا سطح خاص نسبت داد. به عبارت دیگر، این آسیب ها در تعامل پیچیده با یکدیگر عمل می کنند و برای حل آن ها، نیاز به رویکردی جامع و نظام مند است. در این بخش، به تحلیل و بحث در مورد یافته های پژوهش پرداخته می شود:

۱. **ضرورت تحول پارادایمی در آموزش نماز:** یافته های پژوهش به وضوح نشان می دهد که رویکرد غالب در آموزش نماز، یعنی رویکرد «آموزشی محض»، دیگر پاسخگوی نیازهای تربیتی نسل جدید نیست. در شرایط کنونی، نیاز به تحول بنیادین در پارادایم آموزش نماز، از رویکرد «انتقال اطلاعات» به رویکرد «پرورش ایمان و باور»، احساس می شود. این تحول، نه تنها مستلزم تغییر در محتوا و روش های آموزشی است، بلکه نیازمند تغییر در نگرش ها و باورهای معلمان، والدین و مسئولان آموزشی نیز هست (باقری، ۱۳۸۹).

۲. **اهمیت تلفیق تعلیم و تربیت:** یکی از مهم ترین یافته های این پژوهش، ضرورت تلفیق تعلیم و تربیت در فرایند آموزش نماز است. به عبارت دیگر، آموزش نماز نباید صرفاً به آموزش احکام و ظواهر محدود شود، بلکه باید به ابعاد تربیتی، عاطفی و ایمانی آن نیز توجه شود. این تلفیق، می تواند به ایجاد یک تجربه دینی عمیق و معنادار در دانش آموزان کمک کند (بهشتی، ۱۳۹۵).



۳. نقش محوری معلم: یافته‌های پژوهش بر نقش محوری معلم در فرایند آموزش نماز تأکید دارد. معلم نه تنها یک انتقال‌دهنده اطلاعات، بلکه یک الگو و مربی تربیتی است. صلاحیت‌های حرفه‌ای، ایمانی و اخلاقی معلم، نقش تعیین‌کننده‌ای در اثربخشی فرایند آموزش نماز دارد. بنابراین، توانمندسازی معلمان پرورشی و مربیان قرآن، از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی و ضمن خدمت، از ضروریات بهبود فرایند آموزش نماز در مدارس است (نوری، ۱۳۹۳).

۴. تعامل مدرسه و خانواده: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین چالش‌های آموزش نماز در مدارس، تعارض ارزشی میان مدرسه و خانواده است. این مسئله، بر اهمیت تعامل و همکاری نزدیک میان مدرسه و خانواده تأکید دارد. برگزاری جلسات آموزشی برای والدین، تشکیل انجمن‌های اولیا و مربیان با محوریت تربیت دینی، و ایجاد شبکه‌های ارتباطی بین مدرسه و خانواده، از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه است (فقیهی، ۱۳۹۲).

۵. تأثیر فضای فیزیکی: یافته‌های پژوهش بر تأثیر فضای فیزیکی مدارس بر کیفیت تجربه دینی دانش‌آموزان تأکید دارد. نمازخانه به‌عنوان مهم‌ترین فضای عبادی در مدرسه، باید از شرایط مناسبی برخوردار باشد تا بتواند فضایی معنوی و آرامش‌بخش برای دانش‌آموزان فراهم کند. سرمایه‌گذاری در زمینه بهسازی نمازخانه‌ها و فضاهای عبادی مدارس، از ضروریات بهبود فرایند آموزش نماز است (نقی‌زاده، ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی وضعیت آموزش نماز در مدارس و ارائه راهکارهای کاربردی مبتنی بر رویکرد تربیتی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش نماز در مدارس با آسیب‌های متعددی در سه سطح فردی، خانوادگی و سازمانی-نهادی مواجه است. در سطح فردی، ضعف انگیزش درونی، عدم شناخت صحیح از نماز، خستگی از تکرار و مقاومت در برابر تحمیل از مهم‌ترین آسیب‌ها هستند. در سطح خانوادگی، تعارض ارزشی میان مدرسه و خانواده، ضعف الگوی عملی، کاهش انسجام دینی و عدم گفت‌وگوی دینی در خانواده از جمله آسیب‌های اصلی به شمار می‌روند. در سطح سازمانی-نهادی نیز غلبه رویکرد آموزشی بر تربیتی، روش‌های تکراری و غیرمشارکتی، کمبود نیروی متخصص، فقدان فضای فیزیکی مناسب، ناهماهنگی بین برنامه درسی رسمی و پرورشی، کم‌توجهی به تفاوت‌های فردی و ضعف در استفاده از فناوری‌های نوین، از مهم‌ترین چالش‌ها محسوب می‌شوند.

نتایج این پژوهش تأکید می‌کند که تحقق اهداف تربیتی آموزش نماز در مدارس، نیازمند رویکردی جامع، نظام‌مند و مبتنی بر اصل «تلفیق تعلیم و تربیت» است. این رویکرد، باید در سطوح مختلف فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای و سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گیرد. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که نماز به‌عنوان یک عمل عبادی-تربیتی، نه تنها یک تکلیف شرعی، بلکه یک ابزار تربیتی قدرتمند برای پرورش همه‌جانبه انسان است و تحقق اهداف تربیتی آن، نیازمند توجه جدی به تمامی ابعاد فردی، خانوادگی و سازمانی است.

پیشنهادهای کاربردی

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای کاربردی زیر در سطوح مختلف ارائه می‌شود:

الف) پیشنهادهای در سطح مدرسه

۱. **تغییر رویکرد آموزشی:** مدارس باید از رویکرد آموزشی محض به رویکرد تربیتی تغییر جهت دهند. در این رویکرد، تمرکز اصلی بر پرورش ایمان، تقویت باورهای قلبی و ایجاد انگیزه درونی در دانش‌آموزان باشد، نه صرفاً انتقال اطلاعات (باقری، ۱۳۸۹).

۲. **تنوع بخشی به روش‌های آموزشی:** استفاده از روش‌های فعال و مشارکتی مانند ایفای نقش، داستان‌گویی، بحث گروهی، نمایش خلاق، بازی‌های آموزشی و پروژه‌های کلاسی، می‌تواند به افزایش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یادگیری نماز کمک کند (ملکی، ۱۳۹۵).

۳. **توانمندسازی معلمان:** برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی و ضمن خدمت برای معلمان پرورشی و مربیان قرآن، با محوریت روش‌های نوین تربیتی و روان‌شناختی، از ضروریات بهبود فرایند آموزش نماز است (نوری، ۱۳۹۳).

۴. **ایجاد فضای فیزیکی مناسب:** بهسازی نمازخانه‌ها و فضاهای عبادی مدارس، با تأکید بر ایجاد فضایی معنوی، آرامش‌بخش و متناسب با شأن نماز، از اهمیت بالایی برخوردار است (نقی‌زاده، ۱۳۹۹).

۵. **استفاده از فناوری‌های نوین:** بهره‌گیری از نرم‌افزارهای آموزشی، واقعیت مجازی، بازی‌های رایانه‌ای و سایر فناوری‌های نوین، می‌تواند به افزایش جذابیت و اثربخشی آموزش نماز کمک کند (طاهری‌پور، ۱۳۹۸).

۶. **توجه به تفاوت‌های فردی:** طراحی برنامه‌های آموزشی متناسب با تفاوت‌های سنی، جنسیتی، فرهنگی و شخصیتی دانش‌آموزان، می‌تواند به افزایش اثربخشی فرایند آموزش نماز کمک کند (باقری، ۱۳۸۹).



۷. برگزاری مراسم عبادی متنوع: برگزاری نماز جماعت با شکوه، مسابقات قرآن و نماز، اردوهای معنوی و مراسم ویژه مناسبت‌های مذهبی، می‌تواند به تقویت انگیزه و ایجاد تجربه دینی عمیق در دانش‌آموزان کمک کند.

ب) پیشنهادات در سطح خانواده

۱. تقویت الگوی عملی والدین: والدین باید خود به نماز پایبند باشند و در انجام آن جدیت ورزند، تا الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشند (فقیهی، ۱۳۹۲).

۲. ایجاد فضای گفت‌وگوی دینی: والدین باید فضایی مناسب برای گفت‌وگو با فرزندان در مورد مسائل دینی، از جمله نماز، ایجاد کنند و به پرسش‌ها و دغدغه‌های آنان در این زمینه پاسخ دهند (عابدینی، ۱۳۹۴).

۳. تشویق و تقویت مثبت: والدین باید رفتارهای دینی فرزندان، به‌ویژه نمازخواندن آنان را مورد تشویق و تقویت قرار دهند و از تنبیه و اجبار پرهیز کنند (حسینی، ۱۳۹۷).

۴. مشارکت در فعالیت‌های مذهبی: شرکت والدین در فعالیت‌های مذهبی مانند نماز جماعت، مراسم مذهبی و عزاداری‌ها، می‌تواند به تقویت باورهای دینی فرزندان کمک کند.

ج) پیشنهادات در سطح سیاست‌گذاری

۱. بازنگری در برنامه درسی: برنامه درسی مدارس در زمینه آموزش نماز، نیازمند بازنگری اساسی است. این بازنگری باید مبتنی بر رویکرد تربیتی، توجه به تفاوت‌های فردی و استفاده از روش‌های فعال و مشارکتی باشد (داوودی، ۱۴۰۰).

۲. تدوین استانداردهای آموزشی: تدوین استانداردهای مشخص برای آموزش نماز در مدارس، شامل استانداردهای محتوایی، روش‌شناختی و ارزیابی، از ضروریات ارتقای کیفیت این فرایند است.

۳. حمایت از پژوهش‌های مرتبط: حمایت از پژوهش‌های علمی در زمینه آموزش نماز و تربیت دینی، می‌تواند به تولید دانش بومی و ارائه راهکارهای علمی و عملی کمک کند (قائم‌ی و همکاران، ۱۳۹۶).

۴. تخصیص منابع کافی: تخصیص منابع مالی و انسانی کافی برای بهبود فرایند آموزش نماز در مدارس، از جمله بهسازی فضاهای فیزیکی، تجهیز مدارس و توانمندسازی معلمان، از ضروریات است.



۵. ایجاد هماهنگی بین نهادها: ایجاد هماهنگی و همکاری بین نهادهای مختلف از جمله آموزش و پرورش، حوزه های علمیه، صدا و سیما و سازمان تبلیغات اسلامی، می تواند به ارتقای کیفیت آموزش نماز در مدارس کمک کند.

د) پیشنهادات برای پژوهش های آتی

۱. انجام پژوهش های کیفی عمیق برای شناسایی تجربیات زیسته دانش آموزان از فرایند آموزش نماز در مدارس
۲. انجام پژوهش های طولی برای بررسی تأثیر بلندمدت روش های مختلف آموزش نماز بر میزان پایبندی دانش آموزان
۳. انجام پژوهش های تطبیقی برای بررسی تجربیات کشورهای مختلف در زمینه آموزش عبادات به نسل جوان
۴. طراحی و آزمایش الگوهای نوین آموزش نماز مبتنی بر رویکرد تربیتی و ارزیابی اثربخشی آنها
۵. بررسی نقش رسانه ها و فضای مجازی در شکل گیری نگرش دانش آموزان نسبت به نماز

منابع

۱. اکبری، محمدرضا (۱۳۹۷). روش های نوین تدریس در آموزش مفاهیم دینی. تهران: انتشارات سمت.
۲. باقری، خسرو (۱۳۸۹). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.
۳. بهشتی، محمد (۱۳۹۵). بررسی نقش نماز در تربیت اخلاقی دانش آموزان دوره متوسطه. فصلنامه تربیت اسلامی، ۱۱(۲۲)، ۴۵-۶۲.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). ادب فنای مقربان. قم: انتشارات اسراء.
۵. حجتی، سیدمحمدباقر (۱۳۸۸). فرهنگ نماز. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۶. حسینی، سیدعلی (۱۳۹۷). بررسی تعارض ارزشی بین مدرسه و خانواده در حوزه تربیت دینی دانش آموزان. دومانه علمی-پژوهشی مطالعات اسلامی در آموزش و پرورش، ۴(۷)، ۱۱۵-۱۳۴.
۷. داوودی، حسین (۱۴۰۰). تحلیل محتوای کتاب های پرورشی دوره اول متوسطه از منظر میزان توجه به تربیت عبادی. فصلنامه پژوهش های برنامه درسی، ۱۰(۳)، ۸۹-۱۰۸.



۸. رحیمیان، حمید (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی روش های فعال آموزش نماز بر میزان التزام دانش آموزان. فصلنامه روان شناسی تربیتی، ۷(۲۰)، ۷۳-۹۲.
۹. رضایی، محمد و همکاران (۱۴۰۲). نقش تربیت عبادی در شکل گیری هویت دینی نوجوانان. فصلنامه مطالعات روان شناسی و علوم تربیتی، ۸(۲)، ۱۲۵-۱۴۸.
۱۰. زارع، محمود و مرادی، علیرضا (۱۴۰۱). ارائه الگوی تربیت نمازی دانش آموزان در مدارس. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۲۱(۴)، ۱۴۵-۱۷۰.
۱۱. سبحانی نژاد، مهدی (۱۳۹۶). بررسی تأثیر نماز بر سلامت روان دانش آموزان. مجله علوم روان شناختی، ۱۶(۶۳)، ۴۸۷-۵۰۱.
۱۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). شورای عالی انقلاب فرهنگی. تهران: انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۳. شرفی، محمدرضا (۱۳۹۴). نقش تربیت دینی در پیشگیری از آسیب های اجتماعی. فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، ۱۲(۴)، ۳۵-۵۸.
۱۴. صافی، احمدرضا (۱۳۹۸). چالش های تربیت دینی در مدارس با تأکید بر آموزش نماز. فصلنامه تربیت اسلامی، ۱۴(۲۸)، ۱۰۱-۱۲۰.
۱۵. طاهرپور، مرتضی (۱۳۹۸). نقش فناوری های نوین در آموزش مفاهیم دینی به دانش آموزان. فصلنامه فناوری و آموزش، ۵(۲)، ۶۵-۸۲.
۱۶. عابدینی، یوسف (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر پایداری دانش آموزان به نماز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۱۷. فقیهی، علی نقی (۱۳۹۲). بررسی نقش خانواده در تربیت دینی فرزندان. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۹(۳)، ۲۷-۴۸.
۱۸. قائمی، علی؛ موسوی، سیدمحمد و حسینی، سیدعلی (۱۳۹۶). آسیب شناسی آموزش نماز در مدارس مقطع متوسطه شهر تهران. دوماهنامه علمی-پژوهشی مطالعات اسلامی در آموزش و پرورش، ۳(۵)، ۸۹-۱۱۰.



۱۹. کلانتری، عبدالحسین و فتحی‌نیا، علی (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین التزام به نماز و سلامت روان دانش‌آموزان. فصلنامه روان‌شناسی بالینی، ۷(۴)، ۷۷-۹۰.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). آموزش عقاید. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). آشنایی با علوم اسلامی (نماز). تهران: انتشارات صدرا.
۲۲. ملکی، حسن (۱۳۹۵). مهارت‌های آموزش پرورشی. تهران: انتشارات سمت.
۲۳. نقی‌زاده، سیدحسین (۱۳۹۹). نقش فضای فیزیکی مدارس در تقویت تجربه دینی دانش‌آموزان. فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، ۶(۱)، ۴۵-۶۸.
۲۴. نوری، رضا (۱۳۹۳). بررسی نقش معلم پرورشی در تربیت دینی دانش‌آموزان. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۰(۱۱۸)، ۹۵-۱۱۴.